

# مقدمه‌ای بر سواد مالی

«مالی شخصی و خانوادگی»

دکتر عادل پیغمبی

امین مرادی باصیری

با ویرایش علمی:

دکتر مهدی ظنغیانی



## فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر.....
۱۳	مقدمه.....
۱۹	<b>فصل اول: چیستی و ضرورت سواد مالی.....</b>
۱۹	نمای کلی فصل.....
۲۰	تعریف «سواد مالی» و «مالی شخصی».....
۲۳	ضرورت توجه به سواد مالی در زمان کنونی.....
۲۴	مورد اول: انتقال ریسک از کارفرمایان و دولت به عموم مردم.....
۲۵	مورد دوم: افزایش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی.....
۲۵	مورد سوم: افزایش عرضه گستره وسیعی از محصولات و خدمات مالی.....
۲۶	مورد چهارم: افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مالی.....
۲۷	مورد پنجم: منافع بالقوه سواد مالی برای افراد.....
۲۷	مورد ششم: نقش سواد مالی در ثبات و توسعه اقتصادی.....
۲۸	مورد هفتم: کافی نبودن فراگیری دانش و تجارب مالی نسل پیشین.....
۲۸	مورد هشتم: درگیر بودن کودکان و نوجوانان به برخی مسائل مالی.....
۳۰	مورد نهم: برقراری عدالت آموزشی و اقتصادی.....
۳۳	خلاصه فصل.....
۳۴	واژه‌های کلیدی.....
۳۵	پرسش‌های فصل.....
۳۷	<b>فصل دوم: تاریخچه آموزش سواد مالی در غرب.....</b>
۳۷	نمای کلی فصل.....
۳۸	آموزش سواد مالی در قرن هجدهم و نوزدهم.....

۴۳	آموزش سواد مالی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم
۴۷	آموزش سواد مالی در اواسط قرن بیستم
۵۶	آموزش سواد مالی در اواخر قرن بیستم
۵۷	آموزش سواد مالی در قرن بیست و یکم
۵۸	خلاصه فصل
۵۹	واژه‌های کلیدی
۶۰	پرسش‌های فصل
۶۱	<b>فصل سوم: نهادهای مختلف فعال در حوزه سواد مالی</b>
۶۲	نمای کلی فصل
۶۲	مرکز ملی آموزش و اقتصاد
۶۵	ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی
۶۹	شورای تربیت اقتصادی
۷۳	مؤسسه مالی کاپیتال وان
۷۳	وقف ملی برای تربیت مالی
۷۵	مؤسسه موفقیت جوانان
۷۷	کمیسیون سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار استرالیا (ایسیک)
۷۹	کمیته ملی برای تربیت مالی
۸۰	بنیاد کانادایی برای تربیت اقتصادی
۸۱	شورای توسعه و ثبات مالی
۸۲	پایگاه مانی وایز
۸۳	کمیته راهبری آموزش مالی
۸۴	شورای کره برای تربیت سرمایه‌گذار
۸۸	کانون تربیت و اقتصاد
۸۹	خلاصه فصل
۸۹	واژه‌های کلیدی
۹۰	پرسش‌های فصل
۹۱	<b>فصل چهارم: تجربه کشورهای مختلف دنیا در طراحی و اجرای استراتژی ملی سواد مالی</b>
۹۱	نمای کلی فصل
۹۴	گفتار اول: تجربه کشور ایالات متحده آمریکا در طراحی استراتژی ملی سواد مالی
۹۴	آغاز به کار کمیسیون آموزش و سواد مالی

## فهرست مطالب □ ۷

انتشار اولین استراتژی ملی سواد مالی در آمریکا.....	۹۵
حوزه اول: ایجاد آگاهی عمومی از منابع در دسترس .....	۹۵
حوزه دوم: توسعه منابع آموزشی مناسب و هدف‌گذاری شده و انتشار استراتژی‌ها .....	۹۶
حوزه سوم: بهره‌برداری از مشارکت بخش‌های خصوصی با یکدیگر و نیز مشارکت بخش‌های خصوصی با بخش‌های دولتی .....	۹۷
حوزه چهارم: پژوهش و ارزیابی برنامه‌های آموزش مالی .....	۹۷
بررسی کلی اولین استراتژی ملی سواد مالی در آمریکا .....	۹۸
محور اول: پس‌انداز عمومی .....	۹۹
محور دوم: مالکیت خانه .....	۱۰۰
محور سوم: پس‌انداز برای دوران بازنشستگی .....	۱۰۰
محور چهارم: اعتبار .....	۱۰۲
محور پنجم: حمایت از مصرف‌کننده .....	۱۰۲
محور ششم: حقوق مالیات‌دهندگان .....	۱۰۳
محور هفتم: محافظت از سرمایه‌گذار .....	۱۰۴
محور هشتم: نداشتن حساب معاملاتی در هیچ‌یک از نهادهای سستی مالی .....	۱۰۵
محور نهم: جمعیت‌های چندزبانی و چند فرهنگی .....	۱۰۵
محور دهم: آموزش مالی از کودکان تا پس از دبیرستان .....	۱۰۶
محور یازدهم: پژوهش دانشگاهی و برنامه ارزیابی .....	۱۰۷
محور دوازدهم: هماهنگی فعالیت‌ها .....	۱۰۸
محور سیزدهم: چشم‌انداز بین‌المللی .....	۱۰۸
بازنگری در اولین استراتژی ملی سواد مالی در آمریکا .....	۱۰۹
گفتار دوم: تجربه کشور استرالیا در طراحی و اجرای استراتژی ملی سواد مالی .....	۱۱۰
تدوین استراتژی ملی سواد مالی در استرالیا .....	۱۱۲
اصول حاکم بر استراتژی ملی سواد مالی در استرالیا .....	۱۱۲
اولویت‌های استراتژی ملی سواد مالی در استرالیا .....	۱۱۳
گفتار سوم: وضعیت کشور برزیل در طراحی و اجرای استراتژی ملی سواد مالی .....	۱۱۶
گفتار چهارم: وضعیت کشور روسیه در طراحی و اجرای استراتژی ملی سواد مالی .....	۱۱۹
خلاصه فصل .....	۱۲۱
واژه‌های کلیدی .....	۱۲۱
پرسش‌های فصل .....	۱۲۱

۱۲۳	فصل پنجم: تدوین استانداردهای محتوایی سواد مالی
۱۲۳	نمای کلی فصل
۱۲۵	چیزی استانداردهای محتوایی
۱۲۷	پیشینه استانداردهای محتوایی
۱۳۳	الگوهای آموزش مبتنی بر استاندارد سواد مالی
۱۳۶	الگوی ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی
۱۳۹	الگوی شورای تربیت اقتصادی
۱۴۶	خلاصه فصل
۱۴۷	واژه‌های کلیدی
۱۴۷	پرسش‌های فصل
۱۴۹	فصل ششم: تحلیل انتقادی الگوی «استانداردهای ملی برای سواد مالی» با رویکردی اسلامی
۱۴۹	نمای کلی فصل
۱۵۰	نقد اول: نادیده گرفتن اصل ربوبیت خداوند در سنت‌های الهی
۱۵۳	نقد دوم: اتفاقی و شانسی دانستن رخداد بسیاری از حوادث زندگی
۱۵۴	نقد سوم: نگاه غلط به مسئله مالکیت
۱۵۶	نقد چهارم: عدم توجه به هدف آفرینش در خلقت انسان
۱۵۸	نقد پنجم: توجه ناکافی به مسئله عمران و آبادانی زمین
۱۶۲	نقد ششم: بی‌توجهی به نهاد قرض‌الحسنه
۱۶۳	نقد هفتم: بی‌توجهی به قانون مواسات
۱۶۶	نقد هشتم: بی‌توجهی به امهال معسر
۱۶۸	نقد نهم: نگاه غلط به مسئله بدهکاری
۱۷۰	نقد دهم: ایجاد گرایش به کنز مال
۱۷۱	نقد یازدهم: نگاه غیر کامل به مسئله حوادث ناگوار زندگی
۱۷۱	نقد دوازدهم: عدم توصیه به قناعت و مصروف شدن تمام هم و غم و وقت افراد به تأمین معیشت و غفلت از خداوند
۱۷۴	نقد سیزدهم: عدم توجه به حق برخورداری برابر افراد از منابع و ثروت‌های عمومی
۱۸۰	نقد چهاردهم: عدم توجه به نارسایی‌های موجود در بازار
۱۸۱	نقد پانزدهم: بی‌توجهی به اصل قوام در مصرف
۱۸۱	نقد شانزدهم: تأکید بسیار بر «تعاملات مبتنی بر رقابت» و عدم توجه به «تعاملات مبتنی بر همکاری و ایثار»
۱۸۲	

۱۸۳	نقد هفدهم: بی‌توجهی به اصل حرمت اکل مال به باطل
۱۸۵	نقد هجدهم: عدم توجه به اصالت توأم «فرد» و «جامعه»
۱۸۸	نقد نوزدهم: تفاوت نگاه به «ارزش‌ها» در نظام لیبرال دموکراسی و نظام اسلامی
۱۹۰	خلاصه فصل
۱۹۱	واژه‌های کلیدی
۱۹۱	پرسش‌های فصل
۱۹۳	<b>فصل هفتم: تربیت مالی در تمدن اسلامی ایرانی</b>
۱۹۳	نمای کلی فصل
۱۹۶	گزاره‌های تربیت مالی در آثار تمدن اسلامی ایرانی
۱۹۶	استاندارد اول: کسب درآمد و رزق
۲۰۷	استاندارد دوم: خرج کردن
۲۱۱	استاندارد سوم: پس‌انداز
۲۱۲	استاندارد چهارم: مخارج خیریه‌ای
۲۱۴	استاندارد پنجم: دین
۲۱۵	خلاصه فصل
۲۱۶	واژه‌های کلیدی
۲۱۶	پرسش‌های فصل
۲۱۷	<b>پیوست: استانداردهای مالی برای سواد مالی (الگوی شورای تربیت اقتصادی)</b>
۲۱۸	نقشی جدید برای مدارس
۲۱۹	توسعه استانداردها
۲۲۱	فواید سواد مالی
۲۲۱	سابقه و سپاس‌گزاری
۲۲۳	منابع و مآخذ
۲۲۳	راهنمایی مختصری از استانداردها
۲۲۴	خلاصه‌ای از استانداردها
۲۲۶	استاندارد اول: کسب درآمد
۲۳۴	استاندارد دوم: خرید کالاها و خدمات
۲۴۱	استاندارد سوم: پس‌انداز
۲۴۸	استاندارد چهارم: استفاده از اعتبار
۲۵۷	استاندارد پنجم: سرمایه‌گذاری مالی

۲۶۴.....	استاندارد ششم: محافظت و بیمه
۲۷۵.....	منابع و مآخذ
۲۷۹.....	نمایه



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق علیه السلام** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

در زندگی هر یک از ما، بسیار اتفاق می‌افتد که هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای به ما تحمیل می‌گردد. از هزینه‌های سرسام‌آور پزشکی گرفته تا هزینه‌های کوچکی مانند خرید هدیه ازدواج. گاهی اوقات درآمد ما حتی کفاف مخارج پیش‌بینی شده ما را نیز نمی‌دهد و مصداق این شاه‌بیت معروف سعدی می‌گردیم که:

«بر احوال آن مرد باید گریست  
که دخلش بود نوزده، خرج بیست»

اگر در زمان حیات جناب سعدی، مردم می‌توانسته‌اند هر چیزی را که نیازمند به دانستن درباره امور مالی‌شان بوده‌اند، به آسانی از محل تجربیات خود یا دیگران فراگیرند؛ این زمان خیلی وقت پیش به پایان رسیده است. در دو دهه گذشته، دسترسی به بازارهای مالی در سراسر دنیا، افزایش چشم‌گیری یافته و خدمات جدید مالی در حال گسترش به مناطق مختلف دنیا می‌باشد. مخصوصاً پس از توسعه ارتباطات در اواخر قرن بیستم و گسترش خدماتی مانند اینترنت، این دسترسی افزایش روزافزون یافت و در حال حاضر حتی در نقاط دورافتاده روستایی نیز، امکان ارائه خدمات الکترونیکی نهادهای مالی مانند بانک، بورس و ... وجود دارد.

امروزه اقتصاد جهانی و امور مالی به طرّقی عمل می‌کنند که برای تعداد قابل توجهی از مردم، مرموز است. حساب تخمینی جناب سعدی کنار گذاشته شده است و به جای آن، ما نسخه‌های پیچیده متنوعی را برای شادی و گریستن می‌یابیم: ابزارهای مرموز سرمایه‌گذاری، قوانین مبهم مالیات، فناوری‌های رایانه‌ای دائماً در حال تغییر، سیستم‌های پیچیده بازار پول و سرمایه و ... اکنون مردم با وجود فرصت‌های

متعدد و جذاب سرمایه‌گذاری، با سطوح بی‌سابقه ریسک نیز مواجه‌اند. حجم بازارهای مالی رشد یافته و پیچیدگی‌های آن دگرگون شده است. این تغییرات در چشم‌انداز مالی و پولی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی افراد و تصمیماتی که آن‌ها به‌عنوان کارگران، مصرف‌کنندگان، پس‌اندازکنندگان، وام‌گیرندگان و سرمایه‌گذاران اتخاذ می‌کنند؛ اثر می‌گذارد.

مسئله دارای اهمیت بیشتر، افزایش سرعت تغییر محصولات مالی و پیچیدگی‌های آن در زمان کنونی است. امروزه سبدهای متنوع سرمایه‌گذاری در بورس ارائه می‌شود و بر تعداد و پیچیدگی آن‌ها نیز افزوده می‌گردد؛ گزینه‌های مختلفی برای خرید مسکن و وام‌های آن مطرح می‌شود؛ شرکت‌های بیمه مجبور به انتخاب ترکیبی گیج‌کننده از قیمت‌ها و حق بیمه هستند. گزینه‌های مختلفی برای سرمایه‌گذاری جهت دوران بازنشستگی ارائه می‌شود و مردم باید انتخاب کنند که کدام‌یک را انتخاب کرده و از چه زمانی برای دوران بازنشستگی خود پس‌انداز کنند.

به‌طور خلاصه، امروزه مصرف‌کنندگان باید تصمیم بگیرند که چگونه بهترین تخصیص را برای منابع محدود در میان دایره بسیار وسیعی از محصولات جدید مالی و گزینه‌های پرداختی انجام دهند که با پیچیدگی‌شان، جناب سعدی را به تعجب خواهند انداخت.

اما سؤال اینجاست که چه باید کرد؟ آیا تنها باید افزایش چشم‌گیر خدمات مالی و گسترش و پیچیدگی‌های بازارهای پولی و مالی و نوسانات آن را به نظاره نشست یا اینکه باید با تلاش بسیار، مردم را برای فعالیت کارا تر در این بازارها آماده نمود. در حال حاضر، بسیاری از کشورهای دنیا به‌صورت فعال وارد حوزه سواد اقتصادی و مالی شده‌اند و به آموزش و تربیت اقتصادی و مالی مردم خویش از همان سنین کودکی تا بزرگسالی پرداخته‌اند. ولی برخی دیگر تنها نظاره‌گر پیشرفت‌ها و نوسانات حوزه مالی بوده‌اند و فعالیت خاصی برای آماده‌سازی افراد جامعه خویش انجام نداده‌اند. تا چه حد محتوای درسی مدارس کودکان و نوجوانان را برای مواجهه با پیچیدگی‌های مالی دنیای امروز آماده می‌کند؟ دانش‌آموختگان مراکز آموزشی چقدر برای ورود به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و مالی آمادگی دارد؟ چقدر با کارآفرینی و پیچیدگی‌های آن آشناست؟ چقدر با بازاریابی و پیچیدگی‌های دنیای تبلیغات آشنایی دارد؟ آیا می‌تواند

برنامه‌ریزی مالی خوبی برای خویش داشته باشد؟ آیا می‌تواند پس‌اندازهای خود را به‌خوبی سرمایه‌گذاری کند و به جریان‌ات مولد اقتصادی تبدیل نماید؟

بحران مالی سال ۲۰۰۸، ثمره تلخ بی‌توجهی به این حوزه را به کام بسیاری از کشورها چشانده. مردم و حتی دولت‌مردان ناآگاه از سیستم‌های مالی پیچیده، قربانیان اصلی این بحران بزرگ بودند. عده زیادی بی‌خانمان شدند و چندین میلیون نفر در سراسر دنیا، بخش عظیمی از سرمایه‌های خود را از دست دادند. پس از این بحران که طی آن بسیاری از اقشار کم‌درآمد و دارای درآمد متوسط، آسیب زیادی دیدند؛ بسیاری از کشورهای دنیا، مانند روسیه، بیش از پیش به اهمیت آموزش مالی عموم مردم پی بردند و به این نتیجه رسیدند که پایین بودن سواد مالی مردم کشورشان، در تشدید میزان آسیب این بحران، نقشی کلیدی ایفا کرده است. لذا بر لزوم آموزش مالی به عموم مردم تأکید کردند و به طراحی و اجرای استراتژی‌های مختلفی برای ارتقاء سواد مالی مردم کشورشان پرداختند.

در ایران نیز ثمرات این بی‌توجهی در عملکرد غلط مردم در تشدید بحران ارزی سال ۱۳۹۱ و نابسامانی برخی بازارهای دیگر مشهود بود.

در حال حاضر بسیاری از کشورهای دنیا، یکی از راه‌های اصلی مقابله با مشکلات اقتصادی کشور خود را ارتقاء سواد اقتصادی و مالی مردم جامعه خود می‌دانند و به تربیت اقتصادی و مالی افراد جامعه از سنین کودکی تا بزرگسالی می‌پردازند. این کشورها با برگزاری نشست‌های مشترک و بهره‌گیری از تجربیات یکدیگر، به‌دنبال جدیدترین راهکارهای ارتقاء سطح سواد مالی مردم خویش هستند و آن را از جمله اولویت‌های مهم خویش قلمداد می‌کنند.

تولید کتب و منابع آموزشی و کمک آموزشی و به‌کارگیری انواع فن‌آوری‌های آموزشی شامل کتب راهنمای معلم، کتب راهنمای والدین، کتب و مجلات حاوی فعالیت‌ها و مسائل دانش‌آموز، لوح‌های فشرده‌ی آموزشی، وب‌سایت‌ها، بازی‌های مختلف رایانه‌ای، نرم‌افزارهای آموزشی، اشعار و بازی‌های کودکستانی و ... و نیز تربیت و آموزش معلم‌ان از طریق برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های مختلف آموزشی در حوزه سواد مالی از جمله فعالیت‌هایی است که به‌طور بسیار گسترده‌ای در کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، مکزیک، برزیل، اروگوئه، پرو، انگلستان، جمهوری چک، هلند،

اسپانیا، ایرلند، پرتغال، روسیه، رومانی، لهستان، استرالیا، نیوزیلند، اندونزی، ژاپن، مالزی، کره جنوبی، تایلند، سنگاپور، هند، ترکیه، آفریقای جنوبی، نیجریه، غنا و ... قابل مشاهده است.

متأسفانه در کشور ما علی‌رغم وجود مشکلات متعدد اقتصادی و مالی، این حوزه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و هیچ استراتژی خاصی برای ارتقاء سواد اقتصادی و مالی طراحی نشده است. نتیجه چنین وضعی بر رشد و پیشرفت اقتصادی کشور معلوم است؛ چرا که فرد لاجرم در مقام یک عضو خانواده، نیروی کار، شهروند، مسئول در عرصه اجتماعی، مصرف‌کننده، تولیدکننده کالا و خدمات، پس‌اندازکننده و سرمایه‌گذار و در بستری از انواع شاکله‌های جمعی و فردی مانند فرهنگ کار، فرهنگ مصرف، فرهنگ اتخاذ تصمیم‌های بهینه، فرهنگ هزینه - فایده، فرهنگ استفاده بهینه و کارا از منابع، فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ تعامل با محیط انسانی و فیزیکی اطراف از جمله محیط‌زیست و ده‌ها بستر فرهنگی دیگر قرار می‌گیرد و برآیند رفتارهای جمعی در چنین فضایی است که موجبات رشد یا انحطاط ملتی را فراهم می‌آورد.

در حال حاضر دو حوزه پژوهشی و آموزشی در زمینه تربیت و سواد اقتصادی و مالی در دنیا مورد توجه است. حوزه‌ی اول، تحت عنوان «تربیت اقتصادی»<sup>۱</sup> و «سواد اقتصادی»<sup>۲</sup> شناخته می‌شود و به مباحث مختلف اقتصادی مانند تورم، بیکاری، رشد اقتصادی، نوسانات اقتصادی، شکست بازار، شکست دولت، سیاست‌های پولی و مالی و ... پرداخته می‌شود. حوزه دوم، تحت عنوان «تربیت مالی»<sup>۳</sup>، «مالی شخصی»<sup>۴</sup>، «سواد مالی»<sup>۵</sup> و «توانایی مالی»<sup>۶</sup> شناخته می‌شود و به مباحث مختلفی مانند کسب درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، خرید و فروش کالاها و خدمات، برنامه‌ریزی مالی، بیمه و ... پرداخته می‌شود و در واقع، ارتباط بسیار نزدیکی به سبک اقتصادی زندگی دارد. این دو حوزه، یعنی حوزه تربیت اقتصادی و تربیت مالی، مکمل یکدیگر بوده و در برخی موارد نیز مباحث این دو حوزه، با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. در بسیاری از کشورهای

---

1. Economic Education  
2. Economic Literacy  
3. Financial Education  
4. Personal Finance  
5. Financial Literacy  
6. Financial Capability

دنیا، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته این دو حوزه تربیتی در کنار یکدیگر وارد برنامه درسی مدارس شده و به دانش‌آموزان آموزش داده می‌شود.

تمرکز این کتاب بر حوزه دوم، یعنی حوزه سواد مالی است و در هفت فصل تدوین شده است. در فصل اول به بیان چیستی سواد مالی و ضرورت پرداختن به آن و نیز تعریف برخی از کلیدواژه‌های مهم این حوزه پرداخته شده است. در فصل دوم، تاریخچه‌ای از توجه به سواد مالی عموم مردم در غرب بیان شده است. فصل سوم به معرفی نهادهای مهم فعال در این حوزه پرداخته شده و در فصل چهارم، به بیان تجربه کشورهای مختلف دنیا در طراحی و اجرای استراتژی ملی ارتقاء سواد مالی عموم مردم کشورشان می‌پردازیم. فصل پنجم به معرفی تجربه موفق در آموزش سواد مالی تحت عنوان «آموزش مبتنی بر استانداردها» پرداخته شده و دو الگوی موفق و تأثیرگذار در این حوزه معرفی شده است. در فصل ششم به نقد آخرین الگوی ارائه شده در ایالات متحده در حوزه سواد مالی براساس مبانی دینی پرداخته‌ایم و در فصل هفتم، جهت‌آشنایی پژوهش‌گران با محتوای آثار دوران تمدن اسلامی در این حوزه، به دست‌بندی گزاره‌های تربیتی چند کتاب مهم این دوران در حوزه مالی پرداخته‌ایم.





## فصل اول:

### چیستی و ضرورت سواد مالی



#### نمای کلی فصل

سواد مالی و مالی شخصی چیست و توجه به این حوزه چه ضرورتی دارد؟ هدف این فصل، پاسخ به این دو مسئله است لذا ابتدا به تعریف سواد مالی و مالی شخصی پرداخته شده و پس از آن، عوامل ضرورت توجه به سواد مالی در زمان کنونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### رهنمود: سند تمول بنیادین آموزش و پرورش

از جمله اهداف عملیاتی این سند...

پرورش تربیت‌یافتگانی است که با درک مفاهیم اقتصادی در پارچه‌ب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و رومیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و با رعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس فائودگی، ملی و جهانی مشارکت می‌نمایند.

### تعریف «سواد مالی» و «مالی شخصی»

همه ما در زندگی روزمره خود با مسائل مالی متعددی مواجه می‌شویم و ناچار به تصمیم‌گیری‌هایی هستیم که بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند. مسائلی مانند اینکه:

- اکنون چه کار پاره‌وقت یا داوطلبانه‌ای را می‌توانم انجام دهم تا در آینده شغل مورد نظرم را بیابم؟
- برای رفت و آمد خود به خودروپی نیاز دارم. آیا اقدام به خرید یک خودروی صفر کیلومتر کنم، یا خودرو با قیمت پایین‌تر و البته کار کرده خریداری کنم؛ یا اینکه از خرید خودرو چشم‌پوشی کرده و از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده نمایم؟
- برای رسیدن به هدفم، نیازمند پس‌انداز بیشتری هستم؛ چگونه این پس‌انداز را برنامه‌ریزی کنم؟
- چه زمانی شروع به پس‌انداز برای دوران بازنشستگی‌ام کنم و چه میزان از درآمد را باید برای این کار پس‌انداز کنم؟
- مقدار پس‌اندازم برای پرداخت هفتاد درصد از قیمت آپارتمان کفایت می‌کند؛ مابقی را وام بگیرم یا همچنان به اجاره‌نشینی ادامه دهم؟
- برای تأمین مخارج آینده‌ام، چگونه پس‌انداز حال را سرمایه‌گذاری کنم؟
- سرمایه‌گذاری در سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بانکی بهتر است یا خرید سهام بورس، یا اعتماد به افرادی که با پولم می‌توانند کار کنند و درصدی از سود فعالیت‌های خود را به من بدهند؟
- در خرید کالاهایی مانند تلویزیون، لپ‌تاپ یا موبایل، چقدر صرف خرید چه نوع ضمانت‌هایی کنم؟
- باید از کدام نوع بیمه برای خدمات پزشکی و نیز بازنشستگی مورد نیاز خود و خانواده‌ام استفاده کنم؟

پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها و هزاران پرسش مشابه که در مقاطع مختلف زندگی با آن مواجه می‌شویم؛ نیازمند «سواد مالی»<sup>۱</sup> مناسب است که در حوزه «مالی شخصی»<sup>۲</sup> به آن پرداخته می‌شود. لذا حوزه مالی شخصی ارتباط بسیار نزدیکی با سبک اقتصادی

---

1. Financial Literacy  
2. Personal Finance

زندگی دارد و بیش از هر حوزه دیگری در اقتصاد، به زندگی روزمره افراد و خانواده‌ها مرتبط است.

تاکنون تعاریف متعددی برای «مالی شخصی» و «سواد مالی» ارائه شده است ولی در حال حاضر، هیچ توافقی برای تعریف این دو وجود ندارد. این امر مشکلاتی را در سنجش سواد مالی افراد ایجاد کرده است و هر نهاد برحسب تعریف خود از سواد مالی به طراحی ابزارهای سنجش سواد مالی پرداخته است. لذا شاهد ابزارها و شیوه‌های متعددی در سنجش سواد مالی هستیم که این شیوه‌ها و ابزارها تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند (Allgood and Walstad, 2011: P2).

به‌عنوان مثال، «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی»<sup>۱</sup> تا به حال تعاریف مختلفی را از سواد مالی ارائه کرده است. این سازمان در سال ۲۰۱۱، سواد مالی را چنین تعریف کرد: «سواد مالی، توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر درباره استفاده و مدیریت پول می‌باشد» (ASIC, 2013: P8).

این سازمان در سال ۲۰۱۳، تعریف جامع‌تری را از سواد مالی ارائه نمود: «سواد مالی ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌ها، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام، دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی می‌باشد» (ASIC, 2013: P8).

در برخی از کشورها، مخصوصاً کشورهای اروپایی از واژه «توانایی مالی»<sup>۲</sup> به جای واژه سواد مالی استفاده می‌کنند، که به نظر می‌رسد انتخاب مناسب‌تری است. چون واژه سواد مالی، تنها بر حوزه شناخت از مسائل مالی دلالت دارد ولی واژه توانایی مالی، علاوه بر حوزه شناخت، بر حوزه‌های گرایش و رفتار و در واقع مهارت‌های مالی نیز دلالت دارد.

«ائتلاف جامپ استارت برای سواد مالی شخصی»<sup>۳</sup>، در سال ۲۰۰۷ در الگوی استانداردهای مالی شخصی خود، سواد مالی را چنین تعریف می‌کند: «سواد مالی، توانایی استفاده از دانش و مهارت‌ها در مدیریت کارای منابع مالی برای امنیت مالی طول عمر شخص می‌باشد» (JCPFL, 2007: P37). این ائتلاف در همان الگو، مالی شخصی

---

1. The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)  
2. Financial Capability  
3. JumpStart Coalition for Personal Financial Literacy

را نیز چنین تعریف می‌نماید: «اصول و شیوه‌هایی که افراد برای کسب و مدیریت درآمد و دارایی‌ها از آن استفاده می‌کنند؛ مالی شخصی نامیده می‌شود» (JCPFL, 2007: P40). در واقع می‌توان گفت که استفاده از اصول و شیوه‌های حوزه مالی در امور پولی افراد، به‌ویژه شیوه‌های تخصیص منابع مالی، مربوط به حوزه مالی شخصی است و شامل حوزه‌هایی چون تصمیم‌گیری‌های محتاطانه مالی، بودجه‌ریزی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، بیمه، برنامه‌ریزی برای مالیات، برنامه‌ریزی برای بازنشستگی و برنامه‌ریزی برای دارایی‌ها می‌باشد.

در ادبیات مالی غرب، هدف مالی شخصی، استقلال و امنیت مالی بیان شده به‌گونه‌ای که یک فرد یا خانواده بتواند مخارج مورد انتظار خویش را تأمین سازد و در مقابل پیشامدهای غیرمنتظره پولی، مقاوم باشد.<sup>۱</sup> لذا دوره‌های آموزشی متعددی در حوزه مالی شخصی به‌منظور ارتقاء سواد مالی مردم در مقاطع مختلف سنی (از کودکان پیش‌دستانی تا بزرگسالان) در کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده برگزار می‌گردد.

سواد مالی: توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر درباره استفاده و مدیریت پول.	OECD (2011)
سواد مالی: ترکیبی از آگاهی، دانش، مهارت‌ها، گرایش و رفتارهای مالی لازم برای تصمیم‌گیری صحیح مالی و سرانجام، دستیابی به وضعیت مساعد مالی فردی.	OECD (2013)
سواد مالی: توانایی استفاده از دانش و مهارت‌ها در مدیریت کارای منابع مالی برای امنیت مالی طول عمر.	اتلاف جامپ استارت (۲۰۰۷)
مالی شخصی: اصول و شیوه‌هایی که افراد برای کسب و مدیریت درآمد و دارایی‌ها از آن استفاده می‌کنند.	اتلاف جامپ استارت (۲۰۰۷)

در حال حاضر، آموزش مالی شخصی در قالب‌های مختلفی مانند کتاب، مجله، بروشور، نرم‌افزارهای آموزشی، فیلم و عکس، وب‌سایت، کارگاه‌های آموزشی و ... ارائه می‌شود و صدها میلیون نفر در سراسر دنیا تحت پوشش این برنامه‌های آموزشی قرار دارند. در این برنامه‌های آموزشی، هر کشور از شیوه‌های مختلفی برای آموزش مسائل مالی استفاده می‌کند که مطالعه این شیوه‌ها برای پژوهش‌گران حوزه مالی شخصی بسیار مفید است.

### سواد مالی در عمل: موزهی امور مالی آمریکا



یکی از رایج‌ترین شیوه‌های آموزش سواد مالی در آمریکا، پیوند زدن مسائل مالی شفصی با موادث مفتلف تاریخ آمریکا می‌باشد که موجب جذاب‌تر شدن مسائل مالی شده و تأثیر مثبتی در فهم عموم مردم دارد. برای مثال بیش از ۲۵ سال است که معلّمان سراسر آمریکا، دانش‌آموزان خود را به «موزه امور مالی آمریکا» می‌آورند تا به آن‌ها بیاموزند که چگونه مسائل مالی بر زندگی روزمره ما تأثیر می‌گذارد. این موزه در ساقتمان تاریفی بانکی در فیابان وال استریت نیویورک واقع است. در این موزه آثاری از مهم‌ترین رفاذهای مالی تاریخ آمریکا مانند «فرآیند فرید ایالت لوئیزیانا از فرانسه»، «نقش تجاری کانال اری در نیویورک» و ... به نمایش گذاشته می‌شود. درواقع این موزه، سفری ماجراجویانه به تاریخ مالی آمریکا است و دانش‌آموزان اطلاعات بسیار مناسبی از اتفاقات مالی مهم کشور فویش به‌دست می‌آورند. در این موزه، کلاس‌های آموزشی مفتلفی برای دانش‌آموزان (از پیش‌دبستانی تا دبیرستان)، دانشجویان کالج و بزرگسالان ارائه می‌گردد و متناسب با سن آنان، برنامه‌های آموزشی مفیدی ارائه می‌شود. برای اطلاعات بیشتر به سایت [www.moaf.org](http://www.moaf.org) مراجعه شود.

### ضرورت توجه به سواد مالی در زمان کنونی

در سال‌های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. ریشه توجه به این حوزه، به عواملی مانند نظام‌های حمایت از بخش خصوصی و کوچک شدن بخش دولتی، گذر جمعیت جوامع به سمت پیری و توسعه‌های گسترده در بازارهای مالی بازمی‌گردد. این توجهات توسط بحران‌های مالی برجسته می‌گردد چون که فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی

بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به نوبه خود تأثیر زیادی بر تشدید بحران‌ها دارد. لذا در حال حاضر سواد مالی به‌عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود (INFE, 2009). علاوه بر تأثیر سواد مالی بر مدیریت بحران‌ها، عوامل دیگری نیز موجب می‌شود که توجه به سواد مالی به‌عنوان مهارت کلیدی زندگی، در سطح جهانی افزایش یابد. این عوامل عبارتند از:

### مورد اول: انتقال ریسک از کارفرمایان و دولت به عموم مردم

در حال حاضر، شاهد انتقال گسترده‌ای از ریسک هم از دولت‌ها و هم از کارفرمایان به افراد در بسیاری از کشورهای دنیا هستیم. بسیاری از دولت‌ها مقرری‌های بازنشستگی را کاهش داده‌اند یا در حال کاهش این مقرری‌ها هستند. برخی از دولت‌ها در حال کاهش خدمات دولتی پزشکی و واگذاری آن به بخش خصوصی و در نتیجه افزایش تعرفه‌های پزشکی هستند. طرح‌های بازنشستگی در جهت انتقال مسئولیت حفظ امنیت مالی دوران بازنشستگی از کارفرمایان به کارکنان است. به عبارت دیگر، کارفرمایان در تلاش هستند که حقوق بازنشستگی کارکنان خویش را کاهش دهند و کارکنان خود باید در طول مدت کارشان، برای دوران بازنشستگی خویش برنامه‌ریزی و پس‌انداز کنند و خود مسئولیت تأمین امنیت مالی دوران بازنشستگی را برعهده گیرند. گزارش‌های بسیاری نشان می‌دهد که بیشتر کارکنان از ریسک‌هایی که در حال حاضر باید با آن روبرو شوند؛ آگاه نیستند و حتی اگر کارکنان از این ریسک‌ها آگاه باشند؛ دانش و مهارت کافی برای مدیریت چنین ریسک‌هایی ندارند. علاوه بر این، مجموعه ریسک‌هایی که مردم باید در طول زندگی با آن مواجه شوند، در حال افزایش است. برای مثال، افراد با ریسک‌های بسیاری در ارتباط با طول عمر، اعتبار، بازارهای مالی و هزینه‌های واقعی پزشکی مواجه می‌شوند (PISA, 2012: P7).

در چنین شرایطی، افراد ناگزیر به افزایش سواد مالی خویش به‌عنوان کلید حفظ امنیت مالی خویش هستند و نقش حوزه مالی شخصی پُررنگ می‌گردد. چرا که باید در دورانی که مشغول به کار هستند؛ درآمد و مخارج خویش را مدیریت کرده و بخش مناسبی از آن را به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای دوران بازنشستگی خویش اختصاص دهند. همچنین با آگاهی از بیمه‌های متنوع ارائه شده، بیمه مناسبی را انتخاب کرده و بخش قابل‌توجهی از ریسک‌هایی را که در زندگی با آن‌ها مواجه می‌شوند، پوشش

دهند. تمامی این دانش و مهارت‌ها مربوط به حوزه مالی شخصی است و افراد باید در این حوزه، آموزش‌های کافی را ببینند و با ارتقاء سواد مالی خویش، برای بحران‌های احتمالی زندگی خود پیش‌بینی لازم را به‌عمل آورند.

### **مورد دوم: افزایش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی**

امروزه در نتیجه تغییرات صورت گرفته در جوامع، تعداد تصمیم‌های مالی‌ای که افراد باید اتخاذ کنند، در حال افزایش است. به‌عنوان مثال، افزایش امید به زندگی به معنای آن است که افراد باید این اطمینان را حاصل کنند که مقدار پس‌اندازهای آنان در طول مدت کارشان، مدت طولانی‌تری را در دوران بازنشستگی پوشش می‌دهد. همچنین افراد مسئولیت بیشتری در مقابل تأمین نیازهای پزشکی فردی و خانواده خویش دارند. علاوه بر این، افزایش هزینه‌های آموزش موجب شده که برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کافی برای آموزش فرزندان، برای والدین اهمیت بیشتری پیدا کند. حتی زمانی که افراد از خدمات مشاوران مالی بهره‌مند می‌شوند، آن‌ها نیازمند فهم چیزی هستند که به آنان توصیه می‌شود. افراد، مسئول خدمات مالی‌ای هستند که تصمیم به خرید آن گرفته‌اند و با تمام پیامدهای انتخاب خود مواجه خواهند شد. لذا در هر کجایی که هستند نیازمند سواد مالی‌اند تا تصمیمات آگاهانه و مسئولانه‌ای بگیرند.

### **مورد سوم: افزایش عرضه گستره وسیعی از محصولات و خدمات مالی**

در همه کشورها تعداد فزاینده‌ای از مصرف‌کنندگان، به گستره وسیعی از محصولات و خدمات مالی دسترسی پیدا کرده‌اند و این محصولات و خدمات توسط مراکز مختلفی تأمین می‌شود و از کانال‌های مختلفی تحویل داده می‌شود. افزایش پوشش خدمات مالی در کشورهای در حال توسعه، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و مقررات‌زدایی منجر به گسترش دسترسی به تمامی انواع محصولات مالی مانند حساب‌های بانکی، خدمات حواله مالی، خرید و فروش سهام و... شده است. محصولات در دسترس نیز پیچیده‌تر شده‌اند و افراد باید به مقایسه عواملی مانند پول مطالبه شده، نرخ‌های بهره پرداختی یا دریافتی، مدت قرارداد و قرارگیری در معرض ریسک پردازند. همچنین آن‌ها باید تأمین‌کنندگان مناسب محصولات و راه‌های تحویل آن‌ها را از میان کانال‌های مختلفی مانند گروه‌های جامعه، نهادهای مالی سنتی، بانک‌های آنلاین و روش‌های مجازی

فروش کالا شناسایی کنند. بدیهی است که با افزایش چشم‌گیر محصولات و خدمات مالی و پیچیده‌تر شدن آن، افراد نیازمند آموزش‌های مناسب مالی و افزایش توان‌مندی‌های مالی خویش برای تصمیم‌گیری مناسب هستند و در چنین دنیای پیچیده‌ای که محصولات و خدمات مالی در هر گوشه‌ای از زندگی ما رخ می‌نمایاند؛ دیگر اتکا به سوادهایی مانند خواندن و نوشتن، ریاضیات، کامپیوتر و زبان خارجه برای تصمیم‌گیری کافی نیست و افراد نیازمند سواد مالی مناسب و کافی برای تعامل با دنیای خود و حفظ امنیت و استقلال مالی خویش هستند.

#### مورد چهارم: افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات مالی

توسعه اقتصادی و تکنولوژی، تغییرات زیادی را در ارتباطات و معاملات مالی و نیز تعاملات اجتماعی و رفتار مصرف‌کننده به وجود آورده است. این تغییرات موجب اهمیت بیش از پیش تعامل افراد با تأمین‌کنندگان خدمات و محصولات مالی شده است. به‌ویژه اینکه مصرف‌کنندگان اغلب نیازمند دسترسی به خدمات مالی از جمله خدمات بانکی و پستی هستند تا پرداخت‌های الکترونیکی خویش را انجام دهند و دستمزد و حقوق خویش را دریافت کنند و یا به‌صورت آنلاین معامله کنند و یا اینکه حواله‌های مالی را پرداخت یا دریافت کنند. در چنین شرایطی، کسانی که به این خدمات دسترسی ندارند، اغلب پول بیشتری را برای معاملات نقدی می‌پردازند و باید از خدماتی مانند وصول چک همراه با پرداخت هزینه آن استفاده کنند (Kempson, Collard, & Moore, 2005). تمامی این عوامل، مسئولیت تصمیمات مالی مهمی را به دوش افراد انداخته است. درحالی‌که روز به روز نیز، گزینه‌های مالی بیشتری برای اکثریت مردم و از جمله مصرف‌کنندگان جدید مالی ارائه می‌شود و همین امر، سطح پیچیدگی خدمات و محصولات مالی‌ای را که عموم مردم با آن مواجه می‌شوند، افزایش می‌دهد. لذا با افزایش این سطح بالای پیچیدگی، انتظار می‌رود که افراد به میزان کافی سواد مالی داشته باشند تا اقدامات لازم را برای تأمین امنیت و استقلال مالی خود و اطرافیان‌شان انجام دهند و گام بلندی برای تأمین وضعیت مساعد مالی خود و جامعه خویش بردارند.



### مورد پنجم: منافع بالقوه‌ی سواد مالی برای افراد

شواهد تجربی موجود نشان می‌دهد که هم در اقتصادهای توسعه یافته و هم در اقتصادهای نوظهور، بزرگسالانی که آموزش مالی دیده‌اند با احتمال بیشتری نسبت به دیگران، برای دوره بازنشستگی پس‌انداز و برنامه‌ریزی کرده‌اند (Cole, Sampson, & Zia, 2010).

پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای توسعه یافته و به‌ویژه ایالات متحده حاکی از منافع بالقوه‌ای است که در نتیجه ارتقاء سواد مالی حاصل شده است. یافته‌های این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افراد دارای سواد مالی بالاتر، بهتر از دیگران قادر به مدیریت پول خود هستند و در مقایسه با افراد دارای سواد مالی پایین، بیشتر در بازار بورس فعالیت می‌کنند و در انتخاب سبد سهام برای خرید و فروش، عملکرد بهتری دارند (Van Rooji, Lusardi & Alessie, 2011). همچنین افرادی که دانش مالی بالاتری دارند ثروتمند می‌گردند (Lusardi & Mitchell, 2011).

سطح بالای سواد مالی نه تنها با تولید ثروت و دارایی ارتباط دارد؛ بلکه با مدیریت بدهی نیز مرتبط است. افراد دارای سواد مالی بالاتر، وام‌های رهنی کم‌هزینه‌تری را انتخاب می‌کنند و از پرداخت‌های اضافی و دارای بهره بالا اجتناب می‌نمایند (Lusardi & Tufano, 2009).

### مورد ششم: نقش سواد مالی در ثبات و توسعه اقتصادی

علاوه بر منافع ذکر شده برای افراد، سواد مالی برای ثبات مالی و اقتصادی نیز به چند دلیل حائز اهمیت است: مصرف‌کنندگان دارای سواد مالی می‌توانند تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند و خدمات دارای کیفیت بالاتری را انتخاب کنند که این امر موجب تقویت رقابت و نوآوری در بازار می‌گردد. همچنین آن‌ها با احتمال کم‌تری به وضعیت بازار در شرایط غیر قابل پیش‌بینی واکنش نشان می‌دهند و با احتمال کمتری شکایت‌های بی‌اساس مطرح می‌کنند و با احتمال بیشتری اقدامات مناسبی را برای مدیریت ریسک‌های انتقالی به خود انجام می‌دهند. همه این عوامل منجر به کارایی بیشتری در بخش خدمات مالی می‌گردد و احتمالاً هزینه کمتری را به‌خاطر الزامات مالی نظارتی و تنظیمی تحمیل می‌کند. همچنین این عوامل می‌توانند به کاهش کمک‌های دولتی و اخذ مالیات بیشتر از کسانی که تصمیمات مالی غیرعقلانه‌ای گرفته‌اند یا اصلاً تصمیمی نگرفته‌اند، کمک کنند (PISA, 2012: P7-8).

**ایستگاه:**

**نقش سواد مالی در اقتصاد مقاومتی و اثربفشی آن بر مقاوم‌سازی اقتصاد ایران را تحلیل کنید؟**

**مورد هفتم: کافی نبودن فراگیری دانش و تجارب مالی نسل پیشین**

در گذشته افراد از دانش و تجارب مالی و اقتصادی نسل پیشین خود بهره‌مند می‌شدند و این تجارب برای تأمین امنیت و استقلال مالی آنان کفایت می‌کرد ولی در حال حاضر، هرچند همچنان استفاده از تجارب نسل پیشین برای ما بسیار مفید است ولی به‌هیچ‌وجه کافی نیست. با توجه به تغییرات صورت گرفته در بازار، سیستم‌های رفاه اجتماعی و دیگر بخش‌های مالی، نسل حاضر قادر به فراگیری دانش مالی مورد نیاز خود از نسل پیشین نیست. در برخی از اقتصادهای در حال توسعه، نسل جوان امروز، اولین نسلی است که به خدمات مالی رایج دسترسی پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، بانکداری الکترونیکی، در کشور ما تنها برای نسل جوان امروزی مطرح شده و نسل پیشین از چنین خدماتی بی‌بهره بوده‌اند. در نتیجه این نسل باید بر دانش خویش تکیه کند و با توجه به پیچیدگی‌های نظام‌های جدید مالی از توصیه‌های متخصصان آگاه مالی استفاده نماید. تلاش برای ارتقاء دانش مالی در محل کار و دیگر محیط‌ها می‌تواند توسط فقدان ارائه آموزش مالی ابتدایی و نیز عدم آگاهی از فواید آموزش مالی مستمر، به‌شدت محدود گردد. لذا ضروری است که مؤسساتی برای ارتقاء سواد مالی تأسیس گردد.

**مورد هشتم: درگیر بودن کودکان و نوجوانان به برخی مسائل مالی**

باید توجه داشت که آموزش مالی تنها برای آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای زندگی بزرگسالی نیست. بلکه بسیاری از مسائل مهم مالی که کودکان و نوجوانان با آن درگیر هستند؛ باید در مدارس به آنان آموزش داده شود. در حال حاضر بسیاری از نوجوانان و حتی کودکان ما مصرف‌کننده خدمات مالی از همان سنین کودکی خویش هستند. در زمان ما دیگر این امر متداولی است که کودکان و نوجوانان نیز دارای موبایل، تبلت، رایانه و دسترسی به شبکه اینترنت بوده و می‌توانند حتی به‌صورت آنلاین محصولات مورد علاقه خود را مانند انواع بازی‌ها، فیلم‌ها و ... خریداری کنند. این

امری بدیهی است که مهارت‌های سواد مالی می‌تواند به آنان در استفاده از چنین محصولاتی کمک زیادی کند. آن‌ها در همین سنین کودکی و نوجوانی نیز درگیر برخی مسائل مالی مانند پس‌انداز، حساب‌های بانکی و قرض‌الحسنه، خرید و فروش و... شده، لذا باید مهارت‌های مختلف مالی مورد نیازشان به آنان آموزش داده شود.

همچنین برخی از تصمیم‌های افراد در دوران نوجوانی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در آینده مالی آنان دارد. به‌عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، نوجوانان در سنین حدود ۱۵ تا ۱۸ سالگی و نیز والدین آنان با این مسئله بسیار مهم و سرنوشت‌ساز مواجه می‌شوند که آیا باید به دانشگاه بروند و به تحصیل خویش ادامه دهند یا اینکه ترک تحصیل کرده و در حرفه‌ای مشغول به کار شوند. برخی از کشورها فاصله درآمدی افراد تحصیل‌کرده در دانشگاه و دیگر افراد زیاد است ولی تحصیلات، هزینه‌هایی را نیز به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان تحمیل می‌کند و در بسیاری از موارد، منجر به اخذ وام و ایجاد بدهی برای پرداخت هزینه‌های تحصیل می‌گردد. در این میان، برخی از دانش‌آموزان با ترک تحصیل وارد بازار کار می‌شوند و برخی دیگر تصمیم می‌گیرند که به تحصیل خود ادامه دهند. بدیهی است که نمی‌توان نسخه واحدی برای همه افراد پیچید و هرکس باید با توجه به شرایط خود و خانواده‌اش در این زمینه تصمیم‌گیری کند. در هر صورت، افراد چه ترک تحصیل کرده و در حرفه‌ای مشغول به کار شوند و چه به تحصیل خود ادامه دهند، در زندگی خویش، درگیر تعاملات و قراردادهای مالی مهمی می‌شوند که چنانچه سواد مالی مناسبی داشته باشند؛ می‌توانند تصمیمات صحیحی بگیرند. لذا برنامه‌های آموزش مالی شخصی برای کودکان و نوجوانان می‌تواند در پرورش صحیح دانش و رفتار مالی آن‌ها مفید واقع شده و آینده بهتری را از لحاظ مالی برای آنان رقم بزند.